

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مدیرہ ہامی آسمان

سوم دبستان

درس شانزدهم

آموزگار:

ملیحه عباسی

تعلیم و تربیت اسلامی





تازه به شهر شام رسیده بود. در شهر کسی را نمی شناخت. آرام آرام در کوچه های شهر قدم می زد. در گوشه ای از شهر همه ای برپا بود و مردم دسته دسته به سوی کوه در حرکت بودند. نزدیک آمد. از کسی پرسید: «چرا مردم به سمت کوه می روند؟ اتفاقی افتاده است؟» بزرگ ترین دانشمند مسیحیان در این کوه زندگی می کند. مسیحیان سالی یک بار به دیدن او می روند و هر سؤالی داشته باشند، از او می پرسند. او پاسخ هر پرسشی را می داند. امروز وقت این ملاقات مهم است. مرد مسافر دوست داشت این دانشمند را از نزدیک ببیند. تصمیم گرفت همراه با دیگران به سمت کوه برود.

دانشمند مسیحی بر روی تخته سنگی نشسته بود. از شدت پیری دستانش می لرزید. همه دور تا دور او نشسته بودند. دانشمند پیر یک یک مردم را به دقت نگاه کرد. همه ی آن ها را از قبل می شناخت. ناگهان نگاهش به مرد مسافر افتاد! دقیق تر نگاه کرد. تا به حال او را در میان مسیحیان ندیده بود. به او رو کرد و گفت: «ای مرد غریبه، تو مسیحی هستی یا مسلمان؟!»

مسلمانم.
دانشمند هستی یا بی سواد؟
بی سواد نیستم.

دانشمند مسیحی فکری به ذهنش آمد: اکنون بهترین وقت است که سؤالی سخت از او بپرسم، تا نتواند به آن پاسخ دهد. دانشمند مسیحی ادامه داد: «ای مرد، تو می خواهی از من سؤال کنی یا من از تو بپرسم؟! «مرد پاسخ داد: «شما سؤال کن. هرچه می خواهی بپرس!» پیرمرد خنده ای کرد و گفت: «ای مردم، این مرد مسلمان گمان می کند می تواند جواب سؤالاتم را بدهد! اگر راست می گویی بگو بدانم آن، چه ساعتی است که نه روز است و نه شب؟» آن ساعت، از اذان صبح تا طلوع آفتاب است.

پیرمرد اخمی کرد. انتظار این پاسخ را نداشت؛ اما دوباره لبخندی زد. پرسش دیگری به یادش آمده بود. آن چیست که هر چه از آن بردارند، کم نمی شود؟ شعله ی شمع است که هر چه شمع های دیگر را با آن روشن کنند، از آن کم نمی شود. از عصبانیت صورتش قرمز شده بود!

باز هم پرسید. مشکل ترین سؤالات را می پرسید. آن مرد نیز همه را به خوبی جواب می داد. همه با تعجب به هم نگاه می کردند و زیر لب چیزهایی می گفتند. عرق بر پیشانی دانشمند مسیحی نشسته بود. سؤالاتش تمام شده بود و او همه را پاسخ داده بود. با صدایی لرزان رو به آن مرد کرد و گفت: «تو کیستی؟» من محمد باقر، فرزند امام سجّاد هستم. مرد دانشمند با تعجب به او نگاه می کرد.



به سختی از روی تخته سنگ بلند شد و فریاد زد:

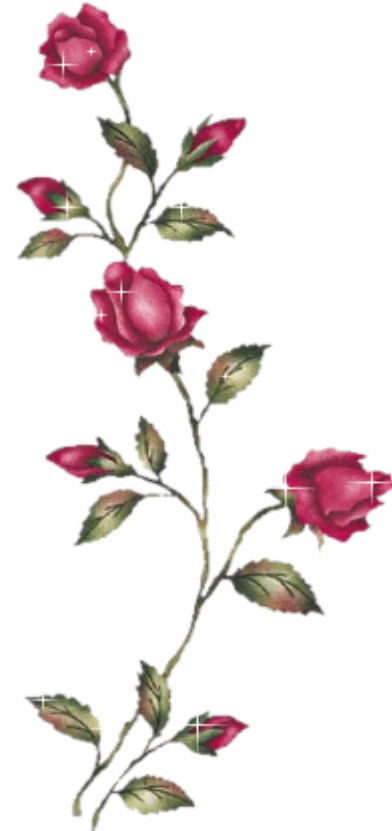
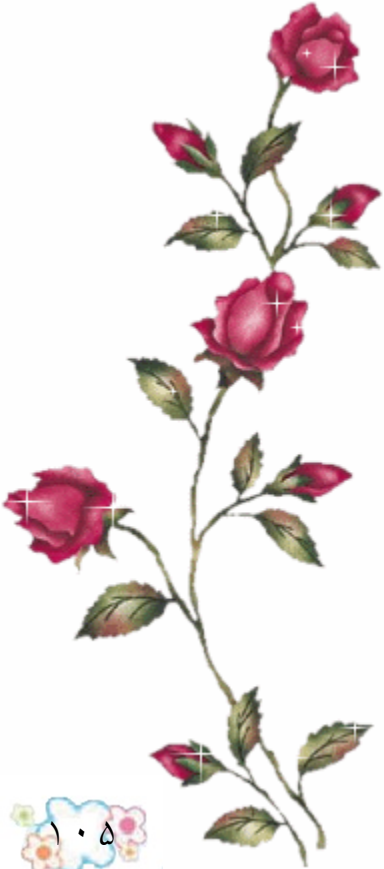
«ای مردم، تاکنون کسی را دانشمندتر از این مرد ندیده‌ام. تا او در میان شماست، به سراغ من نیایید و هر سوالی دارید، از او بپرسید.» اطراف امام شلوغ شد. هر کس سعی میکرد خود را زودتر به امام برساند و سوالاتش را از او بپرسد.

فکر می‌کنم

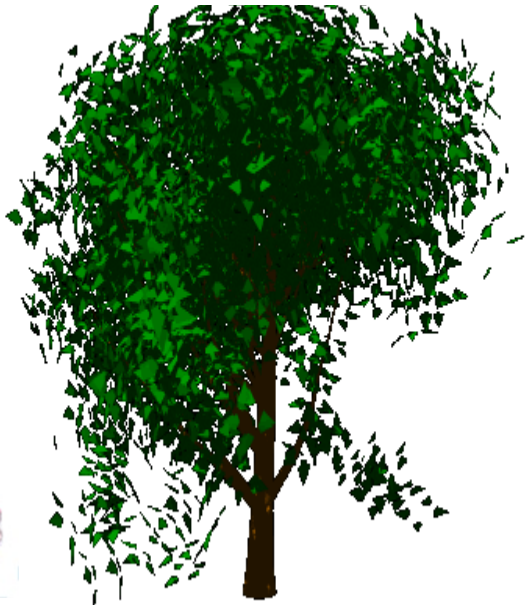
منظور پیرمرد از اینکه گفت: «تا او در میان شماست، به سراغ من نیایید»، این بود که.....
علم و دانش امام محمد باقر (ع) بی نظیر است و در پاسخ به سوالات او از همه دانا تر و دانشمند تر است.

بدانفیم

امام محمد باقر علیه‌السلام، پنجمین امام مسلمانان در مدینه به دنیا آمد. او تنها پنج سال داشت که در کنار پدرش امام سجاد علیه‌السلام در کربلا حاضر بود. امام محمد باقر علیه‌السلام بسیار عالم و دانشمند بود و شاگردان زیادی تربیت کرد. خوش اخلاق و مهربان بود. دستوره‌های دین و آداب زندگی را به مردم می‌آموخت و به آن‌ها آگاهی می‌داد. امام محمد باقر علیه‌السلام مانند پدر و پدر بزرگ خود، با حاکمان ستمگر مبارزه می‌کرد و سرانجام در این راه به شهادت رسید. ایشان در کنار پدرش در قبرستان بقیع دفن شده است.



کلمه هایی را که در بخش بدانیم سبز شده است، در جدول پیدا کنید و خانه های آن ها را رنگ آمیزی کنید. حروف باقیمانده را به ترتیب کنار هم قرار دهید و سخن امام باقر علیه السلام را کامل کنید.



د	م	ح	م	د	پ	م	م	د	پ	
ن	ی	م	ج	ن	پ	ه	ا	ی	ن	
د	ا	ج	س	ر	ک	ر	ل	ن	ج	ب
ع	ی	ق	ب	ن	د	ب	س	د	ن	ل
ه	ن	ی	د	م	ر	ا				
		س	و	د	ا	ن				
		ت	ه	ز	ر	ا	ب	م		
ر	ا	د	د	ن	م	ش	ن	ا	د	

امام باقر علیه السلام فرمود: «همانا خداوند

..... **بلند سلام کردن را دوست دارد.**

حروف باقیمانده در جدول را با رنگ دیگری رنگ آمیزی کنید. لقب امام پنجم آشکار می شود. **باقر الوصی**



من هم به عنوان یک مسلمان، علم و دانش زیادی داشته باشم تا بتوانم پاسخ تمام سوال ها را بدهم و شاگردان زیادی تربیت کند

فَسْأَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
اگر چیزی را نمی دانید، از آگاهان بپرسید.

سوره ی نحل، آیه ی ۴۳

با توجه به معنای این آیه، هر یک از موارد زیر را از چه کسی باید بپرسیم؟

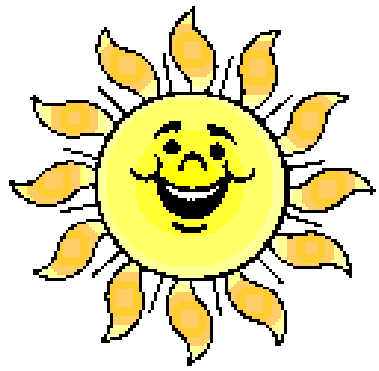
وقتی بیمار شدیم و می خواهیم بدانیم چه غذاهایی را نباید بخوریم. **پزشک**

برای حل کردن یک مسئله در درس ریاضی با مشکل روبه رو شدیم. **آموزگار**

می خواهیم بدانیم که چه کارهایی را نباید در نماز انجام دهیم. **مرجع تقلید**

اگر چیزی را که نمی دانیم، از ناآگاهان بپرسیم، چه مشکلاتی برای ما پیش می آید؟

آن ها ما را به اشتباه راهنمایی می کنند و ممکن است در کار شکست بخوریم.



تحقیق کنید چرا به امام پنجم، «باقر العلوم» می گویند؟

چون دانشی زیادی داشت و در همه زمینه ها اطلاعات کاملی داشتند ، باقر العلوم = شکافنده علوم گفته می شود

